پژوهش‌نامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
سال ۱۰ ، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۴۰۱
صفحات: ۵۵-۳۳

Iranian Research Letter of International Politics
Vol. 10, No. 2, Spring and Summer 2022
Pages: 33-57
DOI:10.22067/irlip.2021.21352.0

نوع مقاله پژوهشی

تأثیر فناوری اطلاعات بر دگرگونی در ساختار و کارکرد سازمان ملل متحد

روح‌اله پیربالایی[۱]، ناصر خورشیدی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر، تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر سازمان ملل متحد در سه حوزهٔ ماهیت، ساختار، و کارکرد بررسی کرده است. پرسش اصلی پژوهش، این است که «فناوری اطلاعات و ارتباطات چه تأثیری بر سطوح یادشده در سازمان ملل متحد داشته است؟» در سطح ماهیت، هنوز دگرگونی چشمگیری در سازمان ملل رخ نداده است، ولی مفاهیم بنیادین، اهداف، و اصول این سازمان، ازجمله حاکمیت و امنیت، به‌لحاظ گسترهٔ معنایی دگرگون شده‌اند. ساختار سازمان ملل نیز با برگزاری اجلاس جهانی جامعهٔ اطلاعاتی و ایجاد برخی نهادهای فرعی در بعضی از ارکان اصلی (مانند شورای حقوق بشر) به عصر دیجیتال واکنش نشان داده است. بیشترین اثرپذیری، در بخش کارکرد سازمان رخ داده است؛ به‌گونه‌ای‌که قرار گرفتن حوزه‌های موضوعی جدیدی مانند «ریشه‌کنی فقر و مسئولیت مشترک»، توسعه، و امنیت انسانی در دستورکار سازمان ملل، موجب تغییر در رویکردهای پیشین دولت‌محور آن شده است. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌های موردنیاز آن، از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر اینترنتی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت انسانی، حاکمیت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، سازمان ملل متحد

---

۱. دانش‌آموختهٔ دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران r.pirbalaey@mfa.gov.ir
۲. دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران n.khorshidi96@gmail.com

Information technology and transformation in structure and function of United Nations

Rohallah Pirbalaei[1], **Nasser Khorshidi**[2]

Abstract

The purpose of this paper is to examine the impact of information and communication technology on the United Nations in three areas: nature, structure and function. The main question is: what impact has information technology had on these three levels in the United Nations? At the level of nature, there has not been a significant change, but fundamental concepts the goals and principles of this organization, such as sovereignty and security, have been transformed in terms of scope. the structure of the United Nations has reacted to the digital age by holding the World Summit on the Information Society and the creation of some subsidiary bodies in within some of the main organs such as the Human Rights Council. the most effective work has been done in the organization; so that by placing new subject areas such as "rooting out poverty and shared responsibility", Develompent and Human Security on the agenda of the United Nations, it has changed the previous state-oriented approaches and even in some cases,it has changed the way of decision making. the research method is descriptive- analytic, and for gathering the its required data has used from library resources and reputable Internet sites.

Keywords: Human Security, Information and Communication Technology, Security, Soverignty, United Nation Organization.

1. Phd Candidate in International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

r.pirbalaey@mfa.gov.ir

2. MA in Diplomacy and International Relations, School of International Relations, Tehran, Iran

مقدمه

سازمان ملل متحد، به‌عنوان یک کنشگر و بازیگر جدید بین‌المللی، سازمانی دولت‌محور است که در سال ۱۹۴۵، بنیان‌گذاری و جایگزین جامعهٔ ملل شد. این سازمان که نخست، توسط ۵۱ کشور بنیان گذاشته شد، تا سال ۲۰۱۱، ۱۹۳ کشور عضو داشته است. اعضای سازمان ملل، تقریباً دربردارندهٔ همهٔ کشورهای مستقلی است که تاکنون در عرصهٔ بین‌المللی به‌رسمیت شناخته شده‌اند. در زیر چتر این سازمان، نهادهای تخصصی‌ای در حوزه‌های کار، آموزش، حقوق بشر، سلامت، و غذا نیز تشکیل شده‌اند که در چارچوب ساختار سازمان ملل فعالیت می‌کنند.

هم‌زمان با تشکیل سازمان ملل متحد، رایانه هم به دنیای بشر وارد شد و صنعت رایانه، در سال ۱۹۴۶ شاهد رونمایی نخستین کامپیوتر مدرن جهان به‌نام «اِنیاک[1]» بود. این رایانهٔ قابل‌برنامه‌ریزی، برمبنای ماشین تورینگ و برای انجام محاسبات طرح‌های موشکی ارتش ایالات متحده طراحی شده بود و قادر به انجام محاسبات نسبتاً پیچیدهٔ ریاضی بود. دو پژوهشگر به نام‌های جان ماکلی و جی پرسپر اکرت از دانشگاه پنسیلوانیا، رهبران گروه پژوهشی ساخت اِنیاک بودند (Asghari, 2015).

با ظهور نسل‌های گوناگون رایانه و دسترسی عامهٔ مردم به رایانه‌های شخصی و سرانجام، پیدایش اینترنت در دههٔ ۱۹۸۰، شبکهٔ جهان‌گستر ارتباطات، رشد فزاینده و سرسام‌آوری را تجربه کرد؛ به‌گونه‌ای که کنشگران غیرسیاسی‌ای همچون افراد، شرکت‌های چندملیتی و جنبش‌های اجتماعی جدید این امکان را یافتند که در کنار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، خود را از بخش خاکستری روابط بین‌الملل جدا کرده و وارد حوزه‌های تعامل و کنشگری فعالانه در جامعه بین‌المللی شوند.

هم‌زمان با دگرگونی در حوزه‌های غیرسیاسی، پیشرفت‌های فناوری، پیامدهای مهمی نیز در حوزه‌های به‌شدت سیاسی، ازجمله حاکمیت و امنیت، داشته است. حاکمیت به‌عنوان عنصر مهم دولت‌های سرزمینی که بذرهای آن در دورهٔ صلح وستفالی کاشته شد، با تأثیرپذیری از پیشرفت‌های فناورانه‌ای مانند اینترنت، به‌شدت فرسوده شد. اینترنت، همراه با فناوری‌های ارتباطی دیگر، اقتدار سرزمینی دولت‌های امروزی را تضعیف کرده و خود، عاملی برای بازتعریف فضا و سازمان‌های سیاسی شده است (Manbach, 2015: 2-3). افزون‌براین، موضوع امنیت و ناامنی دولت‌ها نیز با تأثیرپذیری از انقلاب ارتباطات و اطلاعات، فراخ‌تر شده و مفهوم‌هایی مانند امنیت سایبری و امنیت اجتماعی نیز به دستورکار رهبران سیاسی افزوده شده است.

1. ENIAC

در کنار بازیگری دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل متحد، که موضوع پژوهش حاضر است، نیز از این دگرگونی بی‌تأثیر نبوده است. این تأثیرپذیری را می‌توان در سه حوزهٔ ماهیت، ساختار، و کارکرد ملل متحد دسته‌بندی کرد. در سطح ماهیت، هنوز دگرگونی چشمگیری در سازمان ملل رخ نداده، ولی مفاهیم بنیادین، اهداف، و اصول این سازمان، مانند حاکمیت و امنیت، به‌لحاظ گسترهٔ معنایی دگرگون شده است. ساختار سازمان ملل نیز با برگزاری اجلاس جهانی جامعهٔ اطلاعاتی و ایجاد برخی نهادهای فرعی در بعضی از ارکان اصلی، مانند شورای حقوق بشر، به عصر دیجیتال واکنش نشان داده است. بیشترین اثرپذیری در بخش کارکرد سازمان رخ داده است؛ به‌گونه‌ای که قرار گرفتن حوزه‌های موضوعی جدیدی مانند «ریشه‌کنی فقر و مسئولیت مشترک»، توسعه، و امنیت انسانی، در دستورکار سازمان ملل متحد، موجب تغییر در رویکردهای پیشین دولت‌محور شده است.

برداشت جدید از مفهوم امنیت، سبب شده است که کارکرد سازمان ملل متحد، وارد حوزهٔ امنیت انسانی شده و افراد بشر نیز بخشی از فعالیت‌ها و اقدامات سازمان را به خود معطوف کنند. با اینکه سازمان ملل متحد، یک سازمان بین‌المللی دولتی به‌شمار می‌آید و در پی تأمین امنیت واحدهای سیاسی در سطح بین‌المللی است، ولی در عصر دیجیتال، حوزهٔ فعالیت آن به واحد کنشگر «فرد انسانی» نیز گسترش یافته است. فناوری اطلاعات، به‌همان‌اندازه که سبب فرسایش اقتدار دولت‌ها شده است، درحال توانمندسازی افراد و نخبگان جدیدی است که در کنار دولت‌ها به کنشگری فعالانه مشغول‌اند.

این فرایند، شرایطی را به‌وجود آورده است که جیمز روزنا از آن به «حکمرانی بدون‌دولت» یاد می‌کند. هرچند می‌توان به این ادعا با دیدهٔ شک و تردید نگریست، ولی این پیام و هشدار مهم را به نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل می‌دهد که هستی‌شناسی نظریه‌های قدرت‌محور و ایستای روابط بین‌الملل که در چارچوب عنوان واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی مطرح هستند، با چالش عمیقی روبه‌رو شده است. شهرهایی مانند هنگ‌کنگ، ونیز، و فلورانس به‌عنوان دولت‌های مستقل ملی در عرصهٔ نظام بین‌الملل شناخته نمی‌شوند، اما در مقایسه با بسیاری از دولت‌های دارای حاکمیت، به‌لحاظ ثروت و اقتصاد، شرایط مناسب‌تری دارند (Manbach, 2015: 2).

۱. پیشینهٔ پژوهش

در بررسی پیشینهٔ پژوهش‌های انجام‌شده، مقاله یا نوشته‌ای را نیافتیم که به‌طور مشخص، تأثیر فناوری اطلاعات را بر ماهیت، کارکرد، و ساختار سازمان ملل متحد بررسی کرده باشد، اما موضوع‌های مشابهی وجود داشت که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره کرده‌ایم.

ویتیج و گوشه در مقاله‌ای با عنوان «نقش رسانه‌های اجتماعی در ایجاد صلح اولیه: کمک یا مانع؟»، بر این نظرند که فناوری اطلاعات و ارتباطات، در فرایند صلح و امنیت به‌شکل یک چاقوی دولبه عمل می‌کنند؛ ازیک‌سو، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در سایهٔ شبکه‌های اجتماعی جدید می‌توانند با گردآوری داده‌ها، تجزیه‌وتحلیل آن‌ها، تبادل پیام‌های صلح، و گفت‌وگوهای مؤثر، به صلح و امنیت بین‌المللی کمک کنند و ازسوی‌دیگر، با گسترش شبکه‌های اینترنتی و تجهیز گروه‌های تروریستی به این فناوری‌ها، صلح و امنیت با تهدید جدی روبه‌رو شده است.

«نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در پیشگیری، پاسخ، و حل‌وفصل مناقشات»، عنوان گزارشی است که توسط جمعی از نویسندگان و با مقدمهٔ کوفی‌عنان نوشته شده است. در این گزارش، بر نقش مثبت فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایجاد و تقویت صلح تأکید شده است. باوجود اینکه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند در ایجاد سامانه‌های هشدار اولیه، پیشگیری از جنگ، و انجام عملیات صلح‌بانی، به جامعهٔ بین‌الملل بسیار کمک کند و مجموعهٔ سازمان ملل نیز در مأموریت‌های خود از این فناوری بهره می‌گیرد، ولی در مقایسه با نهادهای تخصصی خود، هنوز ساختار و کارکنان خاصی را برای مدیریت راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات تعریف نکرده است. نویسندگان دراین‌باره بر این نظرند که با توجه به جایگاه منحصربه‌فرد سازمان ملل در ساختار نظام بین‌المللی و منابع و امکاناتی که دراختیار این سازمان است، می‌تواند از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات بهتر بهره گرفته و با کاهش شکاف دیجیتالی و توسعهٔ زیرساخت‌های این فناوری در بخش‌های کمترتوسعه‌یافتهٔ جهان، چارچوب جدیدی را برای گفت‌وگوهای سیاسی و تقویت صلح طراحی کند.

احمد سلطانی در مقاله‌ای با عنوان «فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته و تحول مفهوم حاکمیت در روابط بین‌الملل»، برخلاف رویه‌های موجود که بیشتر به چالش‌های پیش‌روی حاکمیت در عصر فناوری‌ها توجه دارند، در پی بررسی چگونگی تأثیر این فناوری‌ها بر دگرگونی مفهوم حاکمیت بوده است. به‌نظر نویسنده، فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته سبب شده است که حاکمیت، مفهوم سنتی خود (مطلق، تقسیم‌ناپذیر، دائمی بودن) را از دست داده و بیشتر معنای مسئولیت به‌خود بگیرد.

حسین رفیع و دیان جانباز در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر فناوری‌های جهانی اطلاعاتی و ارتباطاتی بر امنیت ملی کشورها»، بر این نظرند که این فناوری‌ها با دادن اطلاعات از پیچیدگی‌های موضوع‌ها و مسائل برای دولت‌ها کاسته‌اند و درعین‌حال، زمینهٔ وابستگی‌های متقابل پیچیده بین دولت‌ها را فراهم کرده‌اند. این کارکرد دوگانهٔ فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی سبب شده است که به‌لحاظ امنیتی، مشکلاتی برای

کشورها، به‌ویژه کشورهای کمترتوسعه‌یافته که ازنظر دسترسی در سطح پایین‌تری قرار دارند، یا به‌عبارتی نسبت به کشورهای پیشرفته دارای شکاف دیجیتالی هستند، به‌وجود آید.

۲. چارچوب نظری پژوهش

فناوری اطلاعات و انقلاب دراین‌زمینه، تغییرات بنیادینی را در موضوع‌های محوری روابط بین‌الملل، ازجمله حاکمیت، دولت، و امنیت ایجاد کرده است؛ بااین‌حال، واقع‌گرایان، حاضر به بازنگری در باورها و انگاره‌های خود نیستند. آن‌ها همچنان دولت را اصلی‌ترین کنشگر نظام بین‌الملل به‌شمار می‌آورند و با حفظ شالودهٔ محدود و پایهٔ نظامی‌محور تعریف خود از امنیت، کنشگری فعال کنشگران غیردولتی دیگر را در روابط بین‌الملل نادیده می‌گیرند. نگاهی که واقع‌گرایان به پدیدهٔ چالش‌برانگیز فناوری ارتباطات و انقلاب اطلاعات دارند، همانند نگرش و برخورد آن‌ها با پدیده‌هایی مانند «فراملی شدن»، «وابستگی متقابل پیچیده»، و «جهانی‌شدن» است. به‌نظر واقع‌گرایان، پدیده‌های یادشده هرچند ممکن است بر سیاست‌ها و ساختارهای داخلی تأثیر گذاشته باشند، اما توانایی ایجاد چالش در نظام آنارشیک و اقتدارگریز سیاست بین‌الملل را ندارند (Rosenau et al., 2011: 21).

دیدگاه واقع‌گرایان در چارچوب نگرش ابزارگرایانه به فناوری اطلاعات جای می‌گیرد. بحث اصلی در چارچوب نگرش ابزارگرایانه، وابستگی فناوری اطلاعات و ارتباطات به دولت و بهره‌گیری از آن در تولید قدرت دولت‌ها است. از این دیدگاه، پیشرفت فناوری‌های ارتباطی، به‌معنای کاهش اقتدار دولت‌ها و زیر سؤال رفتن حاکمیت آن‌ها نیست. دولت‌ها با ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی و جاسوسی قدرتمند، به آن‌دسته از اطلاعاتی که سبب زیر سؤال رفتن حاکمیتشان شود، به‌شدت واکنش نشان می‌دهند و مانع رد و بدل شدن چنین اطلاعاتی به درون مرزهای سرزمینی خود می‌شوند. نگاه واقع‌گرایان به مقولهٔ فناوری اطلاعات را باید در نوع نگرش آن‌ها به پدیده‌هایی همچون سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی جست‌وجو کرد.

زمانی‌که ایدهٔ تشکیل سازمان‌های بین‌المللی مطرح شد، بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بر این دیدگاه پافشاری می‌کردند که پدیدهٔ نهادسازی در نظام بین‌الملل، به‌احتمال زیاد، سبب کاهش اقتدار و تضعیف حاکمیت دولت‌ها خواهد شد. واقع‌گرایان با رد این ادعا، سازمان‌های بین‌المللی را به‌عنوان نهادهایی درنظر گرفته‌اند که تنها برای کسب قدرت یا حل مشکل صلح می‌توان از آن‌ها بهره برد. این گروه، سازمان‌های بین‌المللی را ابزاری برای سیاست‌گذاری دولت‌ها به‌شمار می‌آورند که متغیری مستقل از قدرت دولت‌ها نیست، بلکه به آن‌ها وابسته است (Sazmand, 2007: 122-123). از این دیدگاه،

پدیدارهایی همچون فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی نیز به‌عنوان ابزارهایی درنظر گرفته می‌شوند که دولت‌ها از آن‌ها در راستای افزایش قدرت و تولید منفعت بهره‌برداری می‌کنند.

برخلاف واقع‌گرایان، لیبرال‌ها به‌هیچ‌روی، دولت را یگانه کنشگر نقش‌آفرین روابط بین‌الملل نمی‌دانند. سر برآوردن مجموعهٔ گسترده‌ای از کنشگران بین‌المللی غیردولتی مانند شرکت‌های چندملیتی، تروریست‌ها و جنبش‌های اجتماعی، و همچنین، سازمان‌های بین‌المللی دولتی، آشکارترین تغییری است که در سال‌های اخیر در حوزهٔ سیاست بین‌الملل رخ داده و گسترش مناسبات فرامرزی، موجب رخنه‌پذیری و تجزیهٔ حاکمیت دولت ملی شده است. لیبرالیسم با تأکیدی که بر بازیگران غیردولتی توانمند فرامرزی دارد و همچنین با پافشاری بر اهمیت «اقتصاد امنیت‌پایه»، تعریف گسترده‌ای از روابط بین‌الملل ارائه می‌دهد. لیبرال‌ها، مفاهیمی چون امنیت دسته‌جمعی و امنیت همیارانه را ترویج کرده‌اند که بر سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا تأثیر گذاشته است. حتی برخی از لیبرال‌ها، طرفدار آنچنان نگرش فراگیر و گسترده‌ای هستند که بتواند مسائل اقتصادی، زیست‌بوم، و امنیت انسانی را دربر گیرد (Rosenau et al., 2011: 22-24).

تهدیدهای مجازی و چالش‌های دیگر انقلاب اطلاعات، عناصر روشن و موجود گرایش کلان جهانی‌شدن هستند که حاکمیت و امنیت دولت را سست می‌کند. کنشگران غیردولتی، به‌تدریج در سایهٔ انقلاب اطلاعات، نیرومند و پرشمار می‌شوند. پیدایش اینترنت، امکان ارتباطات فوری جهانی را برای سازمان‌های غیردولتی و همچنین، برای گروه‌های جدید شبکه‌ای فراهم کرده است. روشن است که امکان ارتباط فوری می‌تواند پیامدهای مثبت و همچنین آثار منفی‌ای داشته باشد؛ به‌گونه‌ای‌که با استفاده از این فناوری‌ها، ازیک‌سو، رسیدن به همگرایی، همکاری، و آزادی آسان‌تر می‌شود و ازسوی‌دیگر، ممکن است با بهره‌گیری از فناوری ارتباطات، هراس‌افکنی، جرم فرامرزی، و بی‌ثباتی دولت‌ها به‌راحتی امکان‌پذیر شود (Rosenau et al., 2011: 26).

به‌نظر لیبرال‌ها، فناوری اطلاعات به دو دلیل اهمیت دارد: نخست اینکه، موجب گسترش جریان اطلاعات و درنتیجه، افزایش شفافیت می‌شود. هرچه میزان اطلاعات موجود برای بازیگران بیشتر باشد، تصمیم‌گیری آسان‌تر می‌شود و دو طرف، بیش از گذشته از منافع و سود متقابل خود آگاه می‌شوند. شفافیت، سبب می‌شود که کشورها به‌آسانی به اهداف و خواسته‌های یکدیگر پی ببرند و در این شرایط، معضل امنیت را به‌آسانی در میان خود حل کنند. دوم اینکه، فناوری اطلاعات، سبب تغییر ماهیت قدرت در نظام بین‌الملل شده است. در گذشته، دولت‌ها بیشتر بر مقولهٔ قدرت سخت و افزایش قدرت نظامی تأکید

داشتند. هر دولتی که دارای بالاترین سطح قدرت نظامی بود، می‌توانست قواعد بازی را تعیین کند؛ اما فناوری اطلاعات سبب شده است که قدرت از حوزه‌های سخت‌افزاری به حوزه‌های نرم‌افزاری منتقل شود (McCarthy, 2015: 23-24).

دیدگاه لیبرال‌ها را می‌توان در چارچوب رویکرد جوهرگرایی به فناوری اطلاعات بررسی کرد. در این چارچوب، توجه اصلی به تغییر فضای سیاسی است؛ فضایی که دیگر دولت‌محور نیست و بازیگران دیگری نیز به‌کمک پیشرفت‌های فناورانه سر برمی‌آورند و خواهان ایفای نقش و کنشگری فعالانه می‌شوند. مبادلات بین‌المللی به‌سبب دسترسی روزافزون به اطلاعات، به‌گونه‌ای چشمگیر دگرگون می‌شود (Rittberger, 2015: 15). برپایهٔ رویکرد جوهرگرایی، پیشرفت در زمینهٔ فناوری اطلاعات، موجب افزایش ظرفیت تعاملات بشری شده است. هر اندازه ظرفیت تعاملات بشری گسترش یابد، به همان اندازه امکان نزاع و درگیری نیز کمتر خواهد شد.

سازه‌انگاری را می‌توان به‌عنوان راه میانه‌ای در چارچوب رویکردهای ابزارگرایانه و نیز جوهرگرایانه به فناوری‌های اطلاعات درنظر گرفت. این رویکرد میانه هم به نقش ابزارگونهٔ فناوری‌های ارتباطی توجه دارد که در چارچوب آن، زمینهٔ معرفی هویت دولت‌ها و بازیگران اجتماعی فراهم شده است و هم اینکه به تغییرات به‌وجودآمده در نتیجهٔ گسترش فناوری‌های اطلاعات نظر مثبتی دارد. فناوری اطلاعات به دو شکل بر هویت دولت‌ها تأثیر می‌گذارد؛ نخست به‌عنوان ابزاری در خدمت دولت‌ها قرار می‌گیرد تا ازطریق آن، هویت خود را معرفی کرده و به منافع ملی دست یابند و دوم اینکه، این فناوری‌ها می‌توانند در خدمت دولت‌های رقیب قرار گرفته و در یک نزاع رقابتی، سبب آسیب دیدن هویت آن‌ها شود. همچنین، فناوری اطلاعات آن‌گونه‌که لیبرال‌ها معتقدند، سبب تضعیف و فرسایش اقتدار و حاکمیت دولت‌ها نیز می‌شود.

سازه‌انگاری، ضمن باور به واقعیت‌های اجتماعی‌ای مانند هویت‌ها، هنجارها، نهادها، و منافع، در کنار واقعیت‌های مادی‌ای همچون رایانه‌ها و کابل‌ها، بر این نظر است که واقعیت اجتماعی، ساخته‌وپرداختهٔ اجتماع بوده و همواره در آستانهٔ دگرگونی است؛ بنابراین، در برخی از برداشت‌های سازه‌انگارانه دربارهٔ امنیت در دوران دیجیتال، بیشتر بر این موضوع تأکید می‌شود که چگونه جنگ اطلاعات، مجموعهٔ پرشماری از مرزبندی‌ها، به‌ویژه مرزهای هویت را به‌چالش می‌کشد. تحلیل سازه‌انگارانهٔ قدرت و امنیت در جهان مجازی نیز دربردارندهٔ تأکید بر اهمیت انگاره‌ها و نمادها در کنار واقعیت‌های مادی‌ای مانند کابل‌ها و رایانه‌ها است (Rosenau et al., 2011: 28).

۳. تأثیر فناوری اطلاعات بر سازمان ملل متحد

۱-۳. ماهیت: اصول، و اهداف

منظور از ماهیت سازمان ملل متحد، اصول و اهداف آن است که در فصل نخست منشور ملل متحد مطرح شده است. حفظ صلح و امنیت بین‌الملل، گسترش روابط دوستانه در بین ملت‌ها برپایهٔ احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملت‌ها، دستیابی به همکاری بین‌المللی برای حل مسائل بین‌المللی، و وجود مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملت‌ها برای دستیابی به این هدف‌های مشترک انجام می‌دهند، هدف‌های چهارگانهٔ منشور ملل متحد هستند. اصول ملل متحد نیز عبارت‌اند از: اصل تساوی حاکمیت همهٔ اعضا، اصل حسن‌نیت در انجام تعهدات، اصل حل مسالمت‌آمیز اختلافات، اصل منع توسل و تهدید به زور، اصل کمک اعضا به سازمان، اصل مراقبت کشورهای غیرعضو، و اصل عدم مداخله در امور داخلی.

بی‌شک، رشد فزایندهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات، بر برخی از مفاهیم گنجانده‌شده در اصول و اهداف ملل متحد تأثیر گذاشته است و مفاهیمی همچون امنیت و حاکمیت، در پرتو این نوع فناوری، دچار دگرگونی معنایی شده‌اند. همواره عقیده بر این است که فناوری اطلاعات و ارتباطات، قدرت حاکمیت را می‌فرساید. این عقیده، دست‌کم از زمان جیمز اول در انگلستان وجود داشته است؛ یعنی زمانی‌که گسترش مطبوعات، زنگ خطر را برای کلیسا و تاج‌وتخت به‌صدا درآورد و عقاید جدید، نظم سیاسی کهن را به‌چالش کشیدند. بعدها گسترش رادیو، تلگراف، تلفن، و تلویزیون نیز به رویارویی با حاکمان برخاستند و تهدیدهایی را برای وضعیت سنتی به‌وجود آوردند. اینترنت نیز به این رویه افزوده شد و ماهیت سیاست موجود دولت‌ها را نشانه گرفت. این فناوری‌ها از ویژگی‌هایی برخوردارند که بر حاکمیت تأثیر گذاشته و سبب دگرگونی آن شده‌اند (Soltani Nejad and et al., 2016: 103).

افزون‌بر مفهوم حاکمیت، در پرتو گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، مفهوم امنیت نیز دچار دگرگونی بنیادینی شده است. یکی از مهم‌ترین تغییرات ایجادشده در مفهوم امنیت، فراخ‌تر شدن گسترهٔ این مفهوم است. پیش از شکل‌گیری پدیده‌ای به‌نام جهانی‌شدن، کمتر سخن از امنیت فردی به‌میان می‌آمد و امنیت، تنها در چارچوب نظام دولت‌محور مطرح بود. مفهوم امنیت، از زمان تأسیس سازمان ملل، در دو جهت متفاوت دچار دگرگونی شده است که یکی از آن‌ها، ظهور بُعد «فرابین‌المللی» امنیت است که از آن با عنوان «امنیت جهانی» یاد می‌شود و دیگری، پیدایش بُعد فروملی امنیت است که موجب خودنمایی عنصر کارگزاری انسانی در مورد فرد شده است (Ebrahimi, 2000: 119) که از آن با عنوان «امنیت انسانی» یاد می‌شود.

با ورود رایانه‌های شخصی به زندگی عامۀ مردم، در نتیجۀ پیشرفت نسل‌های گوناگون کامپیوتر و با ظهور اینترنت، نظام بین‌الملل، دگرگونی گسترده‌ای را در حوزۀ کارگزاری به‌خود دید. تا پیش‌از پیدایش و رشد فزایندۀ شبکه جهان‌گستر ارتباطات، دولت‌ها، یگانه کنشگر نظام بین‌الملل به‌شمار می‌آمدند و سازمان ملل نیز به‌پیروی از منشور ملل متحد، حفظ صلح و امنیت نظام بین‌الملل دولت‌محور را در دستورکار خود قرار داده بود.

با راهیابی بازیگران جدید به عرصۀ نظام بین‌الملل، کارکرد امنیتی سازمان ملل با دگرگونی بنیادینی روبه‌رو شد. نخستین واکنش سازمان ملل به این قضیه، طرح مفهوم امنیت انسانی در قالب گزارش توسعۀ انسانی برنامۀ عمران ملل متحد بود. محبوب‌الحق، در گزارش خود دربارۀ توسعۀ انسانی در چارچوب برنامۀ عمران ملل متحد (۱۹۹۴) با اشاره به موضوع «آزادی از ترس[۱]» و «آزادی از نیاز[۲]» تلاش کرد تا توجه جامعۀ جهانی را نه‌تنها به مفهوم توسعۀ انسانی، بلکه به خطرها و تهدیدهایی جلب کند که ممکن است بر اثر درگیری‌های داخلی و سیاسی، بحران‌ها و نوسانات اقتصادی، بلایای طبیعی، فقر و گرسنگی، آلودگی زیست‌محیطی، بی‌سوادی، و چالش‌های دیگر اجتماعی، برای جوامع بشری رخ دهد (UNDP, 1994: 23). گفتنی است، سازمان ملل متحد با تأسیس کمیسیونی با عنوان «امنیت انسانی»، به ریاست مشترک آمارتیاسن و ساداکو اوگاتا در سال ۲۰۰۳، و اندکی پس‌ازآن، با ایجاد واحد امنیت انسانی در دفتر هماهنگی امور بشردوستانۀ سازمان ملل متحد[۳] (OCHA)، به امنیت انسانی، وجهۀ جهانی بخشید (Aldis, 2008: 370).

همچنین، همراه با گسترش دامنۀ این فناوری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، و زیست‌محیطی، تهدیدها نیز از حوزۀ کلاسیک و نظامی خود که بیشتر مفهومی عینی داشت، خارج، و تهدیدهای جدیدی که حوزۀ ذهنی را نیز دربر می‌گرفتند، وارد شدند؛ بنابراین، ماهیت این تهدیدها، تعریف‌های جدیدی از امنیت، مانند امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت نظامی، امنیت فرهنگی و اجتماعی، و امنیت زیست‌محیطی را نیز به‌وجود آورد. این روند تا جایی پیش رفته است که در عصر جدید، در بسیاری از موارد، تهدیدهای سایبری جایگزین تهدیدهای کلان نظامی شده‌اند (Soltani Nejad and et al., 2016: 37).

1. Freedom from Fear
2. Freedom from Want
3. UN Office for Coordination of Humanitarian Affairs

این دگرگونی‌های معنایی، موجب دگرگونی برخی مفاهیم در منشور سازمان ملل متحد نیز شده‌اند که برای نمونه می‌توانیم آن را در بخش (الف) اعلامیهٔ هزارهٔ سازمان ملل مشاهده کنیم. در بند ۶ بخش (الف) این اعلامیه، مفهوم‌هایی چون «آزادی، همبستگی، احترام به طبیعت، و مسئولیت مشترک» به‌عنوان ارزش‌های بنیادین ویژه برای روابط بین‌الملل قرن ۲۱ ضروری به‌شمار آمده‌اند.

در بند سوم اعلامیهٔ هزارهٔ سازمان ملل، به‌طور ضمنی به نقش فناوری اطلاعات در وابستگی و ارتباط اقوام اشاره شده است. بند سوم اعلامیه تأکید می‌کند: «ما سران کشورها و دولت‌ها بار دیگر بر تعهد خود به اهداف و اصول فرازمانی و جهان‌شمول منشور سازمان ملل متحد تأکید می‌کنیم. درواقع، به‌تدریج با افزایش وابستگی و ارتباط مردم و ملت‌ها، توانایی و اهمیت اهداف و اصول یادشده برای الهام‌بخشی نیز افزایش یافته است» (Work and Society Monthly, 2014).

ازآنجاکه افزایش تدریجی ارتباط مردم جهان با یکدیگر در سایهٔ رشد فناوری‌ها و ابزارهای نوین ارتباطی امکان‌پذیر است، این امر به‌نوبهٔ خود از طریق گسترش مفاهیم حقوق‌بشری، امنیت انسانی، توسعهٔ انسانی، و حاکمیت فردی به تقویت جامعهٔ بشری در مقابل جامعهٔ دولتی انجامیده و حاکمیت که تا پیش‌ازاین از ویژگی‌هایی چون مطلق بودن، تقسیم‌ناپذیری، و دائمی بودن برخوردار بود، بیشتر معنای مسئولیت به‌خود گرفته است (Soltaninejad and et al., 2015: 87). نمونهٔ آشکار این تغییر معنا را می‌توان در موضوع دکترین «مسئولیت حمایت» مشاهده کرد که در چارچوب آن، دولت‌ها در برابر هنجارهای مشترک بشری، ازجمله دفاع از ملت‌های ستمدیده، مبارزه با جنایت‌های فراملی و سازمان‌یافته، ریشه‌کنی فقر، و... مسئول شناخته شده‌اند.

افزون‌براین، دغدغه‌هایی مانند «پخش گازهای گلخانه‌ای»، «اجرای کامل کنوانسیون تنوع زیستی و مبارزه با بیابان‌زدایی»، «احترام و رعایت آزادی‌های بنیادین و حقوق بشر» از موضوع‌هایی هستند که زندگی نوع بشر را به‌طور غیرمستقیم اثرپذیر کرده و دولت‌ها برای مدیریت چنین بحران‌هایی مجبورند، از همهٔ ظرفیت‌های موجود در بخش‌های گوناگون استفاده کنند تا شاید بتوانند بحران‌های قرن ۲۱ را سروسامان دهند. در این درک مشترک، تبادل اطلاعات از طریق شبکه‌های انتقال تجربه‌ها و یافته‌ها، نقش بسزایی داشته است؛ به‌گونه‌ای که در سایهٔ این دریافت همسان و درک مشترک، سران کشورها در نشست سپتامبر سال ۲۰۰۰ در سپیده‌دم هزارهٔ سوم، بخش پایانی اعلامیهٔ هزاره را با تعبیر «سازمان ملل، خانهٔ مشترک خانوادهٔ بشری» به‌پایان رسانده‌اند. در ابتدای اعلامیه نیز کوفی‌عنان، دبیرکل وقت سازمان، هدف از پیشنهاد تشکیل اجلاس هزاره را «استفاده از قدرت نمادین هزاره برای تأمین نیازهای واقعی مردم سراسر

جهان» عنوان کرده است (Work and Society Monthly, 2014: 4).

دلیل اینکه در این نوشتار ادعا نداریم که فناوری‌های ارتباطی نوین، تأثیر مستقیمی بر اهداف و اصول این سازمان داشته است، این است که پس از گذشت هفتاد سال از بنیان‌گذاری سازمان ملل، همچنان متن منشور و اهداف و اصول موجود در آن، بدون‌تغییر مانده است و این ثبات هفتادساله نشان می‌دهد که در این مدت، ظهور فناوری ارتباطات و انفجار اطلاعات در چندین دهۀ اخیر، موجب تغییر و دگرگونی در این موارد نشده است؛ بنابراین، به‌دلیل ثبات اهداف و اصول سازمان ملل، ماهیت و سرشت سازمان، ثابت و بدون‌دگرگونی باقی مانده است. چنانچه روزی به‌موجب دگرگونی‌های بنیادین در محیط بین‌المللی، هدف یا اصلی به منشور سازمان افزوده یا از آن حذف شود، می‌توان ادعا کرد که سرشت سازمان ملل، دچار دگرگونی شده است که البته تاکنون چنین وضعیتی پیش نیامده است.

٤. تأثیر فناوری اطلاعات بر ساختار سازمان ملل: تأثیر بر ارکان و نهادهای وابسته

مهم‌ترین اقدام سازمان ملل متحد در راستای برقراری پیوند میان نهادها و کارگزاری‌های ملل متحد با فناوری اطلاعات و ارتباطات، تصویب قطعنامۀ ۵۶/۱۸۳ در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۱ بود که در آن، مجمع عمومی از برگزاری اجلاس جامعۀ اطلاعاتی[1] پشتیبانی کرد. مرحلۀ نخست این اجلاس در کپنهاگ دانمارک (۱۹۹۵) برگزار شد. کشورهای شرکت‌کننده در این نشست، ضمن توجه به نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعۀ اجتماعی، بر بهبود دسترسی به آموزش، اطلاعات، فناوری و دانش به‌عنوان یک ابزار بنیادین برای افزایش ارتباط و مشارکت در زندگی مدنی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی تأکید کردند که احترام به حقوق شهروندی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی را تضمین می‌کند (United Nations; DESAP: 2021).

دومین نشست دراین‌زمینه، از دهم تا دوازدهم دسامبر ۲۰۰۳ در شهر ژنو سوئیس برگزار شد. هدف از تشکیل این اجلاس، طرح و تقویت یک بیانیۀ روشن سیاسی دربارۀ ایجاد پایه‌های یک جامعۀ اطلاعاتی بود. تقریباً ۱۷۵ کشور در سطوح گوناگون و همچنین سازمان‌های بین‌المللی، بخش خصوصی، و جامعۀ مدنی که شمار آن‌ها به ۱۱هزار می‌رسید، در ژنو حضور داشتند و با تأکید بر ضرورت فقرزدایی، دستیابی به آموزش، برابری جنسیتی، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، بهداشت، و حفاظت از محیط زیست تعهد

1. World Summit on the Information Society (WSIS).

کردند: «ما نمایندگان مردم دنیا از دهم تا دوازدهم دسامبر در ژنو برای شرکت در مرحلهٔ نخست اجلاس جهانی جامعهٔ اطلاعاتی گردهم آمدیم تا خواستهٔ مشترک و تعهد خود را برای ساخت یک جامعهٔ اطلاعاتی مردم‌محور، فراگیر، و توسعه‌گرا اعلام کنیم. در این نوع جامعه، هرکس می‌تواند اطلاعات و دانش تولید کند، به اطلاعات و علوم دسترسی داشته باشد، و از آن‌ها استفاده کند یا آن اطلاعات را با دیگران به‌اشتراک بگذارد تا اشخاص، جوامع، و مردم را توانمند کند که به استعدادها و امکانات درونی خود برای رشد و توسعهٔ پایدار و ارتقای کیفیت زندگی برپایهٔ اهداف منشور سازمان ملل و احترام کامل و حمایت از اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، دست یابند (World Summit on the Information Society, 2003).

مرحلهٔ سوم اجلاس جامعهٔ اطلاعاتی، در سال ۲۰۰۵ در تونس برگزار شد. چگونگی تأمین منابع مالی بین‌المللی و روش پشتیبانی از اجرای طرح‌های مرتبط با فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در کشورهای درحال‌توسعه و چگونگی اداره و راهبری اینترنت، دو موضوع مهم و موردبحث در اجلاس ۲۰۰۵ تونس بودند. در این نشست نیز ۱۷۴ کشور در سطوح گوناگون و همچنین، سازمان‌های بین‌المللی، بخش خصوصی، و جامعهٔ مدنی که شمار آن‌ها به ۱۹هزار می‌رسید، در ژنو حضور داشتند (World Summit on the Information Society, 2005).

تولید دانش و اطلاعات در فضای مجازی و نیز احترام کامل و حمایت از اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر که در بیانیهٔ نشست جامعهٔ اطلاعاتی مطرح شده‌اند، به‌طور غیرمستقیم به تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر نهادهای مرتبط با این موضوع‌ها، یعنی شورای حقوق بشر، یونسکو، و سازمان مالکیت معنوی اشاره دارند که در ادامه، بررسی خواهند شد.

۵. شورای حقوق بشر و فناوری اطلاعات

در قطعنامهٔ ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی که به شکل‌گیری شورای حقوق بشر انجامید، بر نقش رسانه‌ها به‌عنوان بازیگرانی که می‌توانند در ترویج رواداری و پاسداری از آزادی عقیده و مذهب نقش مهمی داشته باشند، این‌گونه اشاره شده است: «مجمع عمومی سازمان ملل بر نیاز همهٔ دولت‌ها به ادامهٔ تلاش‌های بین‌المللی به‌منظور افزایش گفت‌وگو و گسترش تفاهم میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها، و ادیان تأکید کرده و بر اینکه دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مذهبی، و رسانه‌ها، نقش مهمی در ترویج رواداری و پاسداشت آزادی دین و عقیده دارند، پافشاری می‌کند» (A/RES/60/251).

پیش از شورای حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر فعالیت می‌کرد که تهیهٔ «اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر» در سال ۱۹۴۸، «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» و «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی» در سال

۱۹۶۶، و همچنین، «طرح اعلامیهٔ حق توسعه» در سال ۱۹۸۶، از مهم‌ترین اقدامات آن به‌شمار می‌آیند. همهٔ این اقدام‌ها، نشانگر این است که اهمیت فرد انسانی در جهان ارتباطات افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای‌که کمیسیون حقوق بشر به شورای حقوق بشر ارتقای مقام داده و به رکن فرعی مجمع عمومی تبدیل شده است.

تغییر جایگاه نهاد حقوق‌بشری سازمان ملل، حاکی از این است که رشد فناوری‌های ارتباطی و انباشت و انتقال فوری اطلاعات، بر اهمیت موضوع‌های انسانی افزوده است و حتی احتمال دارد، در آینده، شورای حقوق بشر به یکی از ارکان اصلی سازمان ملل تبدیل شود. پیش از گسترش فناوری‌های ارتباطات، به‌ویژه اینترنت، در بین مردم جهان، درد و رنج انسان‌ها در بخش‌های مختلف جهان، بازتاب بین‌المللی چندانی نداشت و اطلاعات و تصاویر منتشرشده نیز از سوی رسانه‌های دولتی، کنترل و حتی در برخی موارد، دست‌کاری می‌شد. امروزه در دهه‌های آغازین سدهٔ بیست‌ویکم، هرگونه وحشی‌گری گروه‌های افراطی و بدرفتاری نیروهای امنیتی دولت‌ها ممکن است با گوشی همراه یک شهروند ناشناس ضبط، و چند دقیقه بعد، در شبکهٔ جهانی پخش شود و واکنش نهادهای مدافع حقوق بشر و گروه‌های گوناگون را در پی داشته باشد. به‌همین‌سبب است که کوفی عنان، دبیرکل پیشین سازمان ملل، فناوری اطلاعات را راهی برای فاش کردن نقض حقوق بشر، ترویج حکمرانی شفاف، و دسترسی افراد ساکن در کشورهای دارای رژیم‌های سرکوبگر به اطلاعات بدون‌سانسور، و راهی برای انتقال شکایت آن‌ها به نهادهای حقوق‌بشری می‌داند (Stauffacher et al., 2005: iii).

افزون‌بر حقوق بشر، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند در زمینهٔ حقوق بشردوستانه نیز تأثیرگذار باشد. فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌عنوان زیربنای سامانهٔ هشدار اولیه، در پیش‌بینی آب‌وهوا و ایجاد جوامع مقاومی که بتوانند بهتر به شرایط اضطراری بشردوستانه پاسخ دهند، بسیار حیاتی است. هنگامی‌که فاجعه‌ای رخ می‌دهد، فناوری اطلاعات و ارتباطات به نهادهای بین‌المللی، ازجمله سازمان ملل، کمک می‌کند تا مأموریت‌های پیچیدهٔ کمک‌رسانی را بهتر هماهنگ کنند. دراین‌زمینه، می‌توان به اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت سونامی اقیانوس هند، توفان در امریکای لاتین، و زلزلهٔ ویرانگر پاکستان اشاره کرد (Stauffacher et al., 2005: iii).

٦. یونسکو و فناوری اطلاعات

یونسکو، به‌عنوان یک سازمان مطرح در عرصهٔ بین‌المللی، سال‌هاست که به‌گونه‌ای جدی به موضوع جامعهٔ اطلاعاتی توجه دارد. چنان‌که بخشی به‌نام (تیم جامعه اطلاعاتی) در آن تشکیل شده و فعالیت‌های

آن را در زمینهٔ اینترنت برنامه‌ریزی می‌کند. این شاخه با برگزاری اجلاس‌های سالانهٔ شورای بین‌الدول خود دربارهٔ جامعهٔ اطلاعاتی، تلاش گسترده‌ای را دراین‌مورد انجام داده است. یکی دیگر از تلاش‌های عمدهٔ یونسکو دراین‌باره، برگزاری سه کنگرهٔ بین‌المللی در سال‌های ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، و ۲۰۰۰ با عنوان «اخلاق، حقوق، و اطلاعات» بوده است. یونسکو در این کنگره‌ها، بررسی‌ها و ارزیابی‌های فراوانی برای حمایت از فرد و زندگی خصوصی او انجام داده و از سال ۱۹۹۹ در پی این بوده است که با ابتکارهای تازه، در راستای آسان‌سازی دسترسی همگانی به اطلاعات فعالیت کرده و طرح‌های حقوقی و فنی جدیدی را دربارهٔ گسترش این اطلاعات و دیجیتال کردن آن‌ها در سراسر جهان اجرا کند. برنامهٔ دیگر یونسکو، برنامهٔ «اطلاعات برای همه» است که از سال ۲۰۰۱ اجرا شده و برپایهٔ آن، دبیرخانهٔ یونسکو پس از تقاضای کنفرانس عمومی این نهاد برای تدارک متن یک توصیه‌نامه به‌منظور دسترسی همگانی به اطلاعات در فضای مجازی، این توصیه‌نامه را تهیه و آن را برای اظهارنظر دولت‌ها فرستاده است (Aftab Online, 2008).

با توجه به دگرگونی‌های به‌وجودآمده در حوزهٔ فناوری اطلاعات و اهمیت امر آموزش در ایجاد صلح، ریشه‌کنی فقر، و توسعه، یونسکو با ایجاد «مؤسسهٔ فناوری اطلاعات در زمینهٔ آموزش[1]» در تلاش است تا با بهره‌گیری از این فناوری‌ها، به اهداف تعیین‌شدهٔ خود در اساسنامه، پاسخ درخورتوجهی بدهد. این مؤسسه که در بیست‌ونهمین کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۷ تشکیل شد، اهدافی ازجمله: آسان‌سازی استفادهٔ مبتکرانه از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای افزایش مشارکت و برابری در آموزش و یادگیری مادام‌العمر؛ توانمندسازی معلمان کشورهای عضو برای بهبود کیفیت آموزش با ارتقای آموزش‌ها و شیوه‌های برتر از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و تقویت قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات برای دگرگونی آموزش‌وپرورش از طریق گفت‌وگوی جهانی و شبکه‌سازی، را در دستورکار خود قرار داده است (UNESCO, 2021). این مؤسسه، دارای یک هیئت‌مدیره است که جلسه‌های سالانه‌ای را به‌منظور بررسی فعالیت‌های مؤسسه و تصویب دستورکار سال آتی برگزار می‌کند. اعضای هیئت‌مدیره، شواهدی از فعالیت‌های "IITE" ارائه می‌دهند و سطح دستاوردهای آن را در بهبود استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزهٔ آموزش‌وپرورش رتبه‌بندی می‌کنند. یونسکو بر این نظر است که فناوری اطلاعات و ارتباطات در تقویت امر آموزش مردم جهان بسیار مؤثر است، دسترسی به آموزش را تسهیل می‌کند، و در یادگیری و تدریس باکیفیت، عدالت و برابری در حوزهٔ آموزش و توسعهٔ حرفه‌ای معلمان

1. UNESCO Institute for Information Technologies in Education

نقش انکارناپذیری دارد (Institute for Information Technologies in Education, 2013: 1).

۷. سازمان جهانی مالکیت معنوی

در کنار نقش و موفقیت‌های مثبت فناوری اطلاعات و ارتباطات، این پدیده، جنبه‌های منفی‌ای نیز دارد. فناوری اطلاعات و ارتباطات، این امکان را فراهم کرده است که نخبگان و پژوهشگران کشورهای گوناگون، مطالب و نوشته‌هایشان را در فضای مجازی منتشر کنند و اندیشه‌های خود را به‌اشتراک بگذارند. با توجه بهناامنی و ویژگی کمترمحافظت‌شدهٔ فضای مجازی، این امکان برای سارقان ادبی فراهم شده است که مطالب و اندیشه‌های دیگران را به‌آسانی سرقت کنند.

در عصر جهانی دیجیتال، محتوای اطلاعات و پیام‌هایی که به‌وسیلهٔ شبکه‌های جهانی منتقل می‌شود، ارزش زیادی دارد. قواعد و مقررات مربوط به مالکیت معنوی که از طریق قوانین مربوط به حق تکثیر، حق ثبت اختراع، حق ثبت نشانه‌های تجاری، و اسرار تجاری از صاحبان آثار حمایت می‌کند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (Aronson, 2013: 1211). دراین‌راستا و برای حمایت از مالکیت معنوی، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۸ با تشکیل سازمان جهانی مالکیت معنوی به این موضوع و حفاظت از فرهنگ ملت‌های جهان واکنش نشان داد.

به‌دلیل اشتراک حوزهٔ فعالیت سازمان مالکیت معنوی (ویپو[1]) با سازمان‌هایی مانند یونسکو و آیکان[2]، این دو سازمان، همکاری‌های نزدیکی با سازمان مالکیت معنوی دارند. تهیه و تدوین قوانین مربوط به کپی‌رایت از اقدامات و فعالیت‌های مشترک یونسکو و سازمان مالکیت معنوی است.

در سال ۱۹۹۸ نیز که سازمان آیکان، سرپرستی همهٔ امور مربوط به دامنه‌های اینترنتی را به‌عهده گرفت، همکاری خود را با ویپو گسترش داد تا برای جلوگیری از بدبهره‌گیری‌ها و حفظ حق افرادی که در ثبت دامنه‌ها، محق‌تر هستند، مقرراتی را تدوین کنند. ویپو و آیکان تصمیم گرفتند، ثبت دامنه‌ها را به‌طورکلی آزاد کنند؛ البته به‌شرط اینکه اگر کسی برای ثبت دامنه اقدام کند، نظام داوری ویپو را نیز بپذیرد؛ به‌این‌معنا که اگر شکایتی از او مطرح شد، نظام داوری ویپو قادر باشد به این اعتراض رسیدگی کند. مراحل شکایت نیز این‌گونه است که معترض باید سه‌چیز را اثبات کند؛ نخست حق نام مورددعوی برای خود، دوم، فقدان حق یادشده برای طرف مقابل، و سوم، اثبات قصد بدبهره‌گیری طرف مقابل. قضیه تا آنجا ادامه یافت که

1. WIPO
2. ICANN

همهٔ متقاضیان، به محیط بین‌المللی و دامنه‌های عام تمایل یافتند؛ به‌گونه‌ای که کشورها هم مجبور شدند دامنه‌های خود را همانند دامنه‌های بین‌المللی آزاد کنند. حتی بسیاری از کشورها نیز تصمیم گرفته‌اند اگر شکایتی از دامنه‌های ملی آن‌ها صورت گیرد نیز آن را به ویپو ارجاع دهند؛ برای مثال، هم‌اکنون اگر از پسوند "ir" که برای دامنه‌های ایرانی کاربرد دارد، شکایتی مطرح شود، به مرجع داوری ویپو ارجاع می‌شود (Aftab Online, 2008).

۸. تأثیر فناوری اطلاعات بر کارکرد سازمان ملل متحد: دستورکار

مفهوم «کارکرد»، به وظایف و عملکردی اشاره دارد که یک سازمان در چارچوب ساختار سازمانی و برای دستیابی به اهداف خود انجام می‌دهد. دراین‌راستا، هر سازمانی موضوع‌ها و مسائلی را برای بررسی و تصمیم‌گیری دربارهٔ آن‌ها در دستورکار خود قرار می‌دهد. وجود رویه‌های تصمیم‌گیری، موجب دسته‌بندی حوزه‌های موضوعی و مشخص شدن نحوهٔ گذراندن مراحل گوناگون اداری و چرخهٔ سازمانی برای رسیدن به تصمیم مناسب می‌شود. فناوری اطلاعات، بیشترین اثرگذاری را بر کارکرد سازمان ملل (در مقایسه با ماهیت و ساختار آن) داشته است؛ زیرا ماهیت و ساختار هر سازمانی از نوعی ثبات و استقرار برخوردار است، ولی به‌محض پدید آمدن موضوع‌های جدید و دغدغه‌های وابسته به زیست کلان بشر، سازمان ملل در راستای وظیفهٔ حفظ صلح و امنیت بین‌المللی خود موظف است آن را در دستورکار خود قرار دهد.

مارک زاکربرگ، بنیان‌گذار فیس‌بوک، در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۵، از تریبون سازمان ملل متحد، خواستار جهانی شدن و همگانی شدن دسترسی به اینترنت شد. او گفت، جهانی شدن اینترنت به اجرای مصوبهٔ اخیر سازمان ملل برای حل بحران‌های جهانی یاری خواهد رساند. زاکربرگ همچنین تأکید کرد: «اینترنت، ابزار توانمندی برای به‌اشتراک گذاشتن دانش، فرصت‌آفرینی، و بیرون آوردن جوامع از فقر و ترویج صلح است؛ «یک لایک» یا یک نوشتهٔ فیس‌بوکی، تانک و گلوله را متوقف نخواهد کرد، اما هنگامی که همهٔ مردم دنیا از طریق اینترنت به یکدیگر متصل شوند، می‌توانیم جامعه‌ای جهانی با درکی مشترک از موضوع‌ها بسازیم» (Hempel, 2015).

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در مراحل اولیهٔ فرایند صلح، فرصت‌هایی مانند کمک به گردآوری و تجزیه‌وتحلیل اطلاعات، تقویت پیام‌های صلح، و گفت‌وگوهای متنوع را فراهم می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه، ترسیم نقشهٔ ذی‌نفعان درگیری، ردیابی حرکت‌ها و تسلیحات نظامی، و همچنین، نظارت بر مواضع عمومی دربارهٔ روند صلح، ازجمله کارکردهای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در روند برقراری صلح به‌شمار

می‌آیند. سازمان ملل متحد از تجزیه‌وتحلیل رسانه‌های اجتماعی در طول، و پس از امضای توافق آتش‌بس در لیبی در سپتامبر ۲۰۱۸، برای ردیابی جابه‌جایی‌های گروه‌های مسلح بهره برد. در سوریه نیز دسترسی گروه‌های مخالف به سلاح‌های سنگین برای نخستین‌بار در سال ۲۰۱۲ از طریق رسانه‌های اجتماعی فاش شد. نمایندگی سازمان ملل متحد در سوریه در سال ۲۰۱۲ از رسانه‌های اجتماعی برای انجام بازدیدهای مربوط به حقیقت‌یابی پس از وقوع رخدادهای تروریستی استفاده کرد و همچنین، یک کانال یوتیوب ایجاد کرد تا تأثیر درگیری بر مردم سوریه را آشکار کند.

افزون‌بر موارد یادشده، رسانه‌های اجتماعی می‌توانند واسطه‌ها را قادر کنند تا به‌طور مستقیم با طیف گسترده‌ای از مخاطبان صحبت کنند تا به درک جامع‌تری از روایت‌های گوناگون درگیری و نقاط ورود احتمالی برای صلح، ازجمله در مناطق بسیار دشوار، برسند. شبکه‌هایی مانند فیس‌بوک، توییتر، و واتس‌اپ به ابزارهای مهمی برای دیپلماسی عمومی تبدیل شده‌اند و این امر باعث شده است که مدافعان صلح در تلاش برای دستیابی به صلح از این ابزارهای دیپلماسی به بهترین شکل استفاده کنند (Wittig & Ghosheh, 2020).

اجماع جهانی دربارهٔ این موضوع درحال گسترش است که فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، به‌ویژه اینترنت، چارچوب جدید و فرصت‌های فراوانی را برای توسعهٔ اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی فراهم می‌کند. در نشست جهانی سال ۱۹۹۵ کپنهاگ در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی، بر این نکته تأکید شد که فناوری اطلاعات جدید و رهیافت جدید به دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات توسط مردمی که در فقر زندگی می‌کنند، می‌تواند کمک بزرگی به تحقق اهداف توسعهٔ اجتماعی باشد. همچنین، تأکید شد که ارتقای دسترسی به آموزش، اطلاعات، فناوری، و دانش، ابزار بنیادینی برای افزایش ارتباط و مشارکت در زندگی مدنی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی است و احترام به حقوق شهروندی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی را تضمین می‌کند. نشست کپنهاگ (۱۹۹۵) و نشست‌های بعدی در زمینهٔ فناوری اطلاعات که در ژنو سویس (۲۰۰۳) و تونس (۲۰۰۵) همگی بر این نکته تأکید داشته‌اند که فناوری اطلاعات، کلیدی برای از بین بردن فقر و بیکاری و ایجادکنندهٔ یک جامعهٔ اطلاعاتی مردم‌محور، فراگیر، و توسعه‌یافته است؛ جایی‌که همه می‌توانند اطلاعات و دانش جدید را خلق کنند و آن را به‌اشتراک بگذارند. این فناوری، افراد، جوامع، و مردم را قادر می‌کند که از ظرفیت کامل خود برای ارتقای توسعهٔ پایدار و بهبود کیفیت زندگی‌شان بهره ببرند. در طول کنفرانس سازمان ملل متحد دربارهٔ توسعهٔ پایدار (ریو +۲۰)، دولت‌ها تشخیص دادند که فناوری اطلاعات و ارتباطات، جریان اطلاعات را بین دولت‌ها و مردم تسهیل می‌کند.

دراین‌راستا، تلاش برای بهبود دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌ویژه شبکه‌ها و خدمات پهنای باند، ایجاد «شکاف دیجیتالی»، و به‌رسمیت شناختن سهم همکاری‌های بین‌المللی دراین‌زمینه، ضروری است (United Nations; DESAP, 2021).

رؤسای دولت‌ها و نمایندگان بلندپایۀ نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعۀ مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گرد هم آمدند و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دستورکار توسعۀ پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستورکار که جایگزین اهداف توسعۀ هزاره شد، دربردارندۀ ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است کـه نقشۀ راه جامعۀ بین‌المللی را در زمینۀ توسعۀ پایدار برای ۱۵ سال آینده ترسیم می‌کند (Nasiri Gheidari, 2017: 8).

بدون‌شک، فناوری اطلاعات در دستیابی به اهداف تعیین‌شده در سند یادشده، نقش انکارناپذیری دارد؛ اما نقش آن در تحقق اهداف چهارم و یازدهم این سند، بیش از اهداف دیگر است. هدف چهارم سند یادشده به تضمین آموزش باکیفیت، برابر، و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه اشاره دارد. فناوری اطلاعات و ارتباطات، نقش مهمی در دستیابی به آموزش‌های باکیفیت و فرصت‌های یادگیری برابر و مادام‌العمر برای همه دارد. بسترهای نرم‌افزاری‌ای کـه دردسترس عموم قرار دارند، این موضوع را اثبات می‌کنند که چگونه دانش می‌تواند دردسترس همه قرار گیرد. با توسعۀ فناوری اطلاعات و ارتباطات، اپلیکیشن‌ها و نرم‌افزارها، دانش را به‌گونه‌ای عمومی دردسترس مردم قرار دهند. افزون‌براین، شبکه‌های اجتماعی برخطی مانند یوتیوب، به‌طور گسترده برای گسترش دانش از طریق اینترنت به‌منظور تقویت یادگیری، دردسترس همگان هستند. شبکه‌های اجتماعی تحقیقاتی مانند "Research Gate"، امکان تبادل اطلاعات بین پژوهشگران را در سراسر جهان فراهم می‌کنند (Tjoa & Tjoa, 2016: 9).

هدف یازدهم این سند به تبدیل شهرها و سکونتگاه‌های انسانی به مکان‌های همه‌شمول، امن، مقاوم، و پایدار اشاره می‌کند. دیجیتال‌سازی و فناوری‌های جدید، به‌ویژه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات می‌تواند به‌گونه‌ای مؤثر و همه‌جانبه در مدیریت شهرها مفید باشد (Barbara, 2018). فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، عنصر حیاتی‌ای برای دولت‌های محلی در رویارویی با چالش‌های رشد بی‌رویۀ شهرنشینی در سراسر جهان به‌شمار می‌آیند(Sustainable Developmant Solution network, 2018). فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان نوعی برنامه‌ریزی مشارکتی شهری را فراهم می‌کند که در آن شهروندان می‌توانند نظراتشان را بیان کنند؛ به ایجاد یک سامانۀ مدیریت هوشمند شهری کمک می‌کند و امکان اطلاع‌رسانی

سریع هنگام بروز بلایای طبیعی را فراهم می‌کند (Tjoa & Tjoa, 2016: 10).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، کوشش کردیم تا تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر ماهیت، ساختار، و کارکرد سازمان ملل متحد بررسی کنیم. بررسی‌ها نشان داد که تأثیر این فناوری‌ها بر سه حوزهٔ یادشده به یک اندازه نبوده است؛ درحالی‌که حوزهٔ ماهیت این سازمان کمترین تأثیر را پذیرفته است، دو حوزهٔ دیگر با بیشترین تأثیرات روبه‌رو شده‌اند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات، عرصهٔ جدیدی را برای کنشگری از طریق کاهش اقتدار دولت‌ها و نیز توانمندسازی افراد و کنشگران جدید بین‌المللی گشوده است. با فرسایش مفهوم حاکمیت دولت‌ها، افرادی مانند جیمز روزنا بر آن شدند تا از مفهوم حکمرانی بدون دولت برای توصیف شرایط جدید بهره بگیرند.

شرایط جدید به‌وجودآمده (در نتیجهٔ پیشرفت فناوری‌های ارتباطی)، دگرگونی‌های معنایی‌ای را در مفاهیم امنیت و حاکمیت ــ که در این پژوهش در چارچوب ماهیت ملل متحد بررسی شدند ــ ایجاد کرده است. برداشت جدید از مفهوم امنیت سبب شده است که کارکرد سازمان ملل متحد، وارد حوزهٔ امنیت انسانی شود و افراد بشر نیز در این برداشت، بخشی از فعالیت‌ها و اقدامات سازمان را به‌خود معطوف کنند.

فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، در حوزهٔ حاکمیت نیز دخل‌وتصرف‌هایی داشته‌اند. در عصر دیجیتال، مفهوم مرزها دیگر آن تقدس گذشته را ندارند و اقتدار سرزمینی دولت‌ها با فرسایش بنیادینی روبه‌رو شده است؛ بااین‌حال، سازمان ملل متحد هنوز متقاعد نشده است که در اصول و اهداف خود دست به تغییرات و بازنگری‌های اساسی بزند.

ساختار سازمان ملل نیز با ایجاد برخی نهادهای فرعی در بعضی از رکن‌های اصلی مانند شورای حقوق بشر، به عصر دیجیتال واکنش نشان داده است. پیش‌از گسترش فناوری‌های ارتباطاتی، به‌ویژه اینترنت، در بین مردم جهان، درد و رنج انسان‌ها در نقاط مختلف جهان، بازتاب بین‌المللی چندانی نداشت. اطلاعات و تصاویر منتشرشده نیز از سوی رسانه‌های دولتی، کنترل و حتی در برخی موارد، دستکاری می‌شدند. امروزه در دهه‌های آغازین سدهٔ بیست‌ویکم، هرگونه وحشی‌گری گروه‌های افراطی و بدرفتاری نیروهای امنیتی دولت‌ها ممکن است با گوشی همراه یک شهروند ناشناس ضبط شده و چند دقیقه بعد در شبکه‌های جهانی پخش شود و واکنش نهادهای مدافع حقوق بشر و گروه‌های گوناگون را در پی داشته باشد.

بدون‌شک، فناوری اطلاعات و ارتباطات، بیشترین تأثیر را بر حوزهٔ کارکرد سازمان ملل متحد گذاشته

است؛ زیرا ماهیت و ساختار هر سازمانی از نوعی ثبات و استقرار برخوردار است، ولی به‌محض پدید آمدن موضوع‌های جدید و دغدغه‌های مرتبط با زیست کلان بشر، سازمان ملل در راستای وظیفهٔ حفظ صلح و امنیت بین‌المللی خود موظف است که آن را در دستورکار خود قرار دهد.

در عصر جهانی‌شدهٔ فزایندهٔ کنونی که جهان با پدیدهٔ فشردگی زمان و مکان روبه‌رو شده است، فناوری‌های ارتباطی سبب شده‌اند که دولت‌ها و اعضای سازمان ملل از هرگونه اقدام نیروهای امنیتی دولت‌ها، گروه‌های تروریستی، و وضعیت‌های دیگری که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را به‌خطر بیندازند، آگاه شوند و موضوع در دستورکار مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل قرار گیرد.

منابع

Aldis, W. (2008). *Health Security as a Public Health Concept: a Critical Analysis*, *Health Policy and Planning*. Published by Oxford University Press in association with The London School of Hygiene and Tropical Medicine. *23*(6), 369-375.

Aronson, J. (2013). "The Communication and Internet Revolution:, in: Smith and Baylis. *The globalization of wrold politics*, (1nd Ed,). Tehran: Abrar-e-Moaser press. (in persian).

Aftab Online. (2008). "Internet and International Organizations, available at: *http://www.aftabir.com*/. (in persian).

Asghari, R. (2015). "Computer Magazine". *Hamshahri online*, available at: https://www.hamshahrionline.ir/photo/152598/.

Barbara, R. J. (2018). Digital Technology for the Sustainable Development Goals. *DIPLO*, at: https://www.diplomacy.edu/blog/digital-technology-sdgs.

Ebrahimi, Sh. (2000). "The Evolution of the Concept of Security: From National Security to Global Security". *Defensive Policy Magazine*, *31*,199. (in persian).

Hempel, J. (2015). Zuckerberg to the UN: The Internet Belongs to Everyone. *WIRED*, available at: http://www.wired.com/2015/09/zuckerberg-to-un-internet-belongs-to- everyone.

Mansbach, R . (2015). "International Relations and Information Technology". *International Relations*, *2*, 2-3.

McCarthy, D. (2016). *Power, Information Technology, and International Relations*

Theory; The Power and Politics of US Foreign Policy and Internet. Palgrave Studies in International Relations.

Nasiri Gheidari, S. (2017). "Transforming our World: the 2030 Agenda for Sustainable Development. *UNESCO National Commission.* (in persian).

Rosenau, J. (2016). *Information Revolution, Security and New Technologies*. (2nd Ed,). Translated by: Alireza Tayyeb, Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (in Persian).

Rittberger, V. (2015). *Global Governance and the United Nations System*, (1nd Ed,). Translated by: Fatemeh Por Lak, Tehran: Mokhatab press. (in Persian).

Sazmand, B. (2008). "The Study of International Organizations from Perspective of Theoretical. *Journal of politics*, *38*(4),122-123. (in persian).

Soltani Nejad, A; Eslami, M., & Rastgho, M. (2015). "Advanced Information and Communications Technology and Development of Sovereingnty in Information Relations"'. *Contemporary Political Studies, 7*(1), 85-114 .(in persian).

Soltani Nejad, A; Jamshidi, M., & Mohseni, S. (2016). "Development of Security Concept in the Light of Globalization and New Information and Communications Technology". *Journal of wrold politics*, *5*(2),7-42. (in persian).

Society Monthly of Economics, Scientic, Culture, Work and Society. (2014). *Millenume Developmen Goals,* 177. (in persian).

Stauffacher, D., & et al. (2005). *The Role of ICT in Preventing Responding to and Recovering from Conflict*. Published by The United Nations Information and Communication Technologies Task Force one United Nations Plaza.

Tjoa, M., & Tjoa, S. (2016). *The role of ICT to Achieve Us Ustainable Development Goals*. IFIP International Federation for Information Processing. Published by Springer International Publishing Switzerland, 9-10.

The Role of Information and Communication Technology in the Implementation of the Targets in SDG 11. (2018). *Sustainable Development Solutions Network a Global Initiative for the United Nations.*

UNESCO. (2013). The UNESCO institute for information technologies in education activity report 2012-2013, available at: *http://www.iite.unesco.org.*

United Nations DESAP. (2021). "Information and communication technologies (ICTs)". UN Department of Economic and Social Affairs Poverty. Available at: https://www.un.org/development/desa/socialperspectiveondevelopment/issues/information-and-communication-technologies-icts.html.

United Nations General Assembly. (2006). "Resolution Adopted by the General Assembly", A/RES/60/251. Human Rights Council.

UNDP. (1994). *Human Development Report 1994 New Dimensions of Human Security*. New York: Oxford University Press.

Wittig, K., & Ghosheh, S. (2020). "The Role of Social Media in Early Peacemaking: Help or Hindrance?. Conciliation resources, available at: *https://www.c-r.org/accord/pioneering-peace-pathways/role-social-media-early-peacemaking-help-or-hindrance*.

World Summit on the Information Society. (2003). Geneva Declaration of Principles. Available at: *https://www.itu.int/net/wsis/*.

World Summit on the Information Society. (2005). "Tunisia Declaration of Principles". Available at: *https://www.itu.int/net/wsis/*.